

لثالی الحکمة - هو الناطق فی المآب یا جلال ندای غنی متعال

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



هو الناطق فی المآب

یا جلال ندای غنی متعال را بسمع فطرت بشنو و بخدمت قیام نما، امروز بر وجه آفتاب این کلمه علیا دیده شد: ای اهل ارض باوہام از مالک انام محروم مشوید و بظنون از رحیق مختوم خود را منع منمائید، آثارش عالم را احاطه نموده و آیاتش کل را فرا گرفته، از خود و ما عنده لاجل اصلاح عالم و نجات امم گذشته، هر بصیری شاهد و هر منصفی گواه که در آئی خود را حفظ نکرده، لا زال امام وجوه امرا و علما و ابطال ندا فرموده و امر نموده آنچه را که سبب راحت و اطمینان اهل عالم است، و لکن اکثری نصح الله را قبول نمودند و حکمش را نپذیرفتند، مخصوص اهل بیان، عمل نمودند آنچه را که فیوضات فیاض حقیقی توقّف نمود، بگو ای اهل انصاف اگر این ظهور اعظم را انکار نمائید چه امری قابل ذکر و یا لایق اقرار است، بشنوید ندای مظلوم را، از ظلم بعدل گرائید و از و هم قصد مقام یقین نمائید، این ظهور اعظم معلق بتصدیق و اقرار احدی نبوده و نیست، بل کل منوط بتصدیق اوست، بشنوید ندای مظلوم را و مجدّد خود را باوہامات نفسانیہ مبتلا نمائید، بگو یا هادی اتق الله و لا تکن من الظالمین، اگر فی الحقیقه طالب حقی باآثار رجوع نما و در آیاتش تفرّس کن، لَعَمْرُ اللَّهِ إِنَّهَا تُغْنِيكَ عَنْ دُونِهَا وَتَعْرِفُكَ مَا كُنْتَ غَافِلًا عَنْهُ، الیوم سدره باآثار لا تخصی مشهود، أَنْظِرْ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ، امواج بحر بیان امام وجوه بکمال اوج ظاهر، و تجلیات انوار آفتاب حقیقت موجود و مشهود، یا هادی اگر این نعمت را انکار نمائی بَيْنَ يَدَيِّ اللَّهِ بَیْجَه عذری تَمَسُّكَ مینمائی، بترس از خداوند غالب قاهر توانا، سبب اضلال عباد مشو، اوہامات قبل را بجذب قبل و اگذار، در یوم الله وَمَا ظَهَرَ فِيهِ نَظْرَ نَمَا، یا هادی امروز جبال بَقْدَ آتَى الْغَنِيِّ الْمُتَعَالِ ناطق، و آسمان بَقْدَ آتَى الرَّحْمَنِ مُتَكَلِّمًا، و اشجار بَقْدَ آتَى الْمُخْتَارِ ذَاكِرًا، اگر آذن واعیه یافت شود از هر شیء از اشیاء مرثه ظهور را میشوند، امروز نفحات بیان متضوّع و حمامه عرفان بر اعلی الاغصان مغرّد، خود را بطین اوہام میالا و از بحر معانی محروم منما، دوستانت ذکر تحریف



ORIGINAL

نموده و مینماید، اتق الله ولا تكن من الجاهلین، این اوهامات حزب قبل بود، در قرون و اعصار بمفتریات چندی تمسك جستند و خود را در یوم جزا از بحر عطا محروم نمودند، شقاوت حزب شیعة بمقامی رسید که بر منابر باعلی النداء حق را لعن نمودند و بر شهادتش فتوی دادند، یا هادی در آنچه ظاهر شد تفکر نما و بانصاف تکلم کن، قسم بآفتاب افق برهان این مظلوم براسی تکلم مینماید و لوجه الله میگوید، از اصل امر آگاه نبوده و نیستی، بشنو سخن ناصح امین را و ببصر عدل و سمع انصاف بین و بشنو، اتق الله، ضع هویك، وخذ امر مویك، ان اليه منقلبك ومثوبك، سارع إلى مرضاته ثم اقرأ ما نزل من ملكوت بيانه، إياك أن تمنعك أوهام الذين نقضوا عهده وميثاقه، انظر ببصرك ثم اسمع بأذنك، لعمر الله لا تغنيك عين غيرك ولا تخنيك أذن دونك ولا تهديك أوهامك ولا ترفعك ظنونك ولا تنفعك ثروتك، إني لوجه الله أعظك وأنت لوجه الله اسمع ما يغنيك عن دون ربك، یا هادی اسمع نصح من ينصحك لله وما أراد إلا خيرا في أخريك وأوليك، زين رأسك بإكليل التقوى وهيكلك برداء العدل وقلبك بطراز الإنصاف، أرجع إلى آثار الله ببصر حديد وقلب منير ونفس زكية وأخلاق مرضية ليظهر لك ما ستر عنك، فاعلم باليقين أن غيوك لا يغنيك وغرك لا يقربك، دع وزرك ثم اجعل كلمة الله حرزك، لا تستر دين الله ومذهبه ولا تنكر آياته ولا تكفر بنعمته، إنه أظهر سلطانته وأنجز وعده ونصر حزبه ورفع راية بيانه بين عباده وعلم ظهوره في بلاده وأنزل آياته وأظهر بيناته وانطق كل شيء بثنائه، إيم الله هذا هو النبأ العظيم والأمر العظيم، إياك يا غافل أن تعترض عليه ويا جاهل أن تغفل عنه ولا تكن من الذين هم اختلفوا فيه، اجعل محضرك بين يدي الله ثم انصف في أمره، إياك أن تنكر من أقر بفضل الله ووصفه، ولا تعترض على الذي به ماج بحر العلم وحكمته، یا هادی اسمع ندائي ولا تقطع سدرة العدل والإنصاف بسيف الاعتساف ولا تستر وجه التقوى بحجاب البغي والطغي، اجعل إرادتك فانيا في إرادة ربك ومشيئتك في مشيئته، دع ملة قوم ما آمنوا به وبآياته وجادلوا بأوامره وأحكامه، فكر في الدنيا وتغييرها وتبديلها وفنائها، أين كسرى وقصره وبروز ووزره وأين ملوك الأرض وقصورهم وكنازهم وأين جنودهم وخزائنهم، هل نفعهم ما جمعوا وهل رفعهم ما أخذوا، لا فالذي فلق الحبة وبرء النسمة، إن القضاء المثلث بدل قصورهم بالقبور وسرورهم بالغموم، أين نشاطهم وبساطهم وأين فرحهم وانبساطهم، قد تشتت شملهم وتفرق جمعهم، أصبحوا بيوتهم خالية وسقوفهم خاوية وأشجارهم منقعة وقشيبهم بالية، لعمر الله ينوح قلبي ويحن قلبي، نسئل الله تبارك وتعالى أن يؤيد عباده على ما يحب ويرضى، یا أولياء الله في بلاده وأحبابه في دياره نوصيكم بالأمانة والديانة، طوبى لمدينة فازت بأنوارهما، بهما يرتفع مقام الإنسان ويفتح باب الأطمئنان على من في الإمكان، طوبى لمن تمسك بهما وعرف شأنهما وويل لمن أنكر مقامهما ومنع عن طرازهما، یا حزب الله امانت بمثابه افتابست، ثروت واطمينان بآن معلق و منوط، خيمه عدل را عمود است و مدینه انصاف را در، امروز نصرت دين الله بجنود اعمال و اخلاق است، جهد نمائيد شايد فائز شويد بآنچه ذكرش در كتاب الهی از قلم قدیمی ثبت شود، یا جلال از حق میطلبیم ترا تايد فرمايد و بانوار آفتاب بیان رحمن بديار رجوع نمائی تا کل منور شوند و از نفحات وحی رحمانی خرم و تازه گردند، اهل ش را از قبل مظلوم تکبير برسان، بگو ایدوستان با اتحاد و اتفاق تمسك نمائيد، از حق میطلبیم ظاهر فرمايد از شما آنچه را که سبب راحت و رحمت و اطمینان و آسایش اهل عالم است، طوبی از برای نفوسیکه در تالیف قلوب ساعی و

جاهدند، یا جلال بگو امروز خورشید عطا از افق اعلی اشراق نموده، و دریای جود امام وجوه عباد ظاهر گشته، مقبلین و مقبلات بطراز بخشش حق جلّ جلاله مزینند، إِنَّهُ غَفَرَكَ ثُمَّ الَّذِينَ أَرَادُوا غُفْرَانَهُمْ إِنَّهُ هُوَ الْغُفُورُ الرَّحِيمُ، بگو قدر ایام را بدانید و بتدارک ما فات قیام نمائید، سفر عظیم در پیش فراموش نمائید، آنچه از برای سفر لازمست بآن تمسک جوئید، حق جلّ جلاله امر میفرماید بآنچه که سبب نجات و آسایش اهل عالم است، این مظلوم در تمام ایام در دست اعدا اسیر بوده و هست و در آنی بحفظ نفس خود پرداخته، اهل عدل و انصاف بآنچه ذکر شده گواهی میدهند، بمثابه باران بهاری از سماء رحمت رحمانی الواح بآن جهات باریده و مقصودی جز هدایت خلق نبوده و نیست، اهل ن و یا را از قبل مسجون ذکر نما و بعنایت حق بشارت ده، طُوبَى لَأَسْمِنَا الْوَحِيدِ الَّذِي فَازَ بِلِقَائِي وَحَضَرَ أَمَامَ وَجْهِي وَطَارَ فِي هَوَائِي وَشَرِبَ رَحِيقَ بِيَانِي وَأَنْفَقَ رُوحَهُ فِي سَبِيلِي وَلِلَّذِينَ نَصَرُوهُ إِلَى أَنْ اسْتَشْهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، نفوسیکه در سبیل الهی حمل بلایا نموده اند کل لدی العرش مذکور و بعنایات مخصوصه فائز، لا زال این مظلوم عباد و اماء آن ارض را ذکر نموده، اجر احدی عند الله ضایع نشده و نمیشود، اعمال را مشاهده میفرماید و اقوال را میشنود، اوست سمیع و اوست بصیر، یا حزب الله امروز روز خدمت و نصرت است، خود را محروم نمائید، در این دار فانی در کسب مقامات باقیه مشغول باشید، عمر اسرع از برق در مرور، هر عماریرا خراب از پی و هر حیاتی را موت از عقب، صاحب دانش آنکه غفلت ننماید و بآنچه سبب سمو و علو و رفعتست تمسک جوید، یا جلالُ إِنَّا ذَكْرُنَاكَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا الْحِينِ، إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْفَضَّلُ الْكَرِيمُ، آنچه در باره حقوق ذکر نمودی این امر معلق است برضا و اقبال نفوس، تذکر در این مقام محبوب و لکن طلب ممنوع، خیر آن بخود نفوس راجع، هر نفسی بروح و ریحان و شوق و اشتیاق حقوق الهی را ادا نماید اخذش جائز، وَالْإِنِّ رَبُّكَ هُوَ الْغَنِيُّ الْمَتَعَالِ، انظر ثم اذکر ما أنزله الرحمن فی الفرقان: یا ایها الناس أنتم الفقراء إلى الله والله هو الغني الحميد، اینفقره بجناب امین علیه بهائی راجع و تو را هم اذن میدهم، اگر نفسی بکمال میل و محبت اراده اداء حقوق نماید اخذ نمائید، إِنَّهُ يَأْمُرُ الْكُلَّ بِمَا يَنْفَعُهُمْ فِي كُلِّ عَالَمٍ مِنْ عَوَالِمِ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، كَذَلِكَ نَطَقَ لِسَانُ الْعِظَمَةِ فِي السَّحْنِ الْأَعْظَمِ إِذْ كَانَ بَيْنَ أَيْدِي الْغَافِلِينَ، الْبُهَاءِ الْمَشْرِقِ مِنْ أَفْقِ سَمَاءِ عِنَايَتِي عَلَى الَّذِينَ أَقْبَلُوا بِقُلُوبِهِمْ إِلَى أَفْقِي وَسَمِعُوا نِدَائِي الْأَحْلَى إِذْ ارْتَفَعَ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أُولَئِكَ رِجَالٌ مَا مَنَعَتْهُمْ صُفُوفُ الْأَعْدَاءِ وَمَا خَوَّفَتْهُمْ سَطْوَةُ الَّذِينَ غَفَلُوا عَمَّا أَمَرُوا بِهِ مِنْ لَدُنْ فَاطِرِ السَّمَاءِ، قَامُوا وَقَالُوا أَمَامَ وَجْهِ الْعُلَمَاءِ وَالْأُمَرَاءِ قَدْ أَتَى الْوَعْدَ وَالْمَوْعُودُ يَنَادِي مَنْ أَفْقَهُ الْأَعْلَى مِنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، طُوبَى لِلْسَامِعِينَ وَطُوبَى لِلْفَائِزِينَ وَوَيْلٌ لِلْغَافِلِينَ وَالْمُنْكَرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.